

جابه جابه

«جان فدا»؛ ۳ اپیزود از زندگی حاج قاسم

کهنه سربازی که نامش لریزه بر تن دشمن می اندازد



۸

فرهنگ

مروری بر چند فیلم با موضوع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

۱۰

حقایقی از قهرمان

تأکید رئیس صداوسیما و معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور

رسانه

نقش رسانه ملی در ضریب دهی به الگوی زن موفق

۷

رسانه

گفت‌وگو «جام جم» با مصطفی هیودی

تهیه‌کننده «مثل پدر»

روایت ۳ سال دلنگی برای «پدر»

۷

نگاهی به آثاری که با موضوع شهید سلیمانی تولید شده است

یادواره موسیقایی سردار دل‌ها



۱۱

رسانه

گزارشی از اولین ساعات انتشار خبر شهادت سردار در رسانه ملی

ماموریت روایت شهادت حاج قاسم



۶

اتاق شاعر

درباره یک جمله از وصیت نامه حاج قاسم



علی محمد موبد
آرکوه فرهنگ و هنر

وقتی حاج قاسم داشت در خلوت خودش در وصیت‌نامه‌اش می‌نوشت که قبر من، مثل قبر دوستان شهیدم ساده باشد، هیچ وقت فکر نمی‌کرد فهم این خواهش ساده و صمیمانه او از شهادت ده‌ها بیلورد با هزینه‌های گزاف این جمله را برجسته کند. آیا این همه بیلورد با دستخط حاج قاسم چیزی جز مخالفت با وصیت این شهید عزیز است. در مورد هر متنی عده‌ای هستند که بسیار ساده‌اندیشانه فقط به کلمات فکر می‌کنند و معنا و مفهوم متن را نمی‌توانند متوجه بشوند. این‌گونه است که برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حرمی آنچنانی ساخته می‌شود و دستخط حاج قاسم با هزینه‌های گزاف همه خیابان‌های شهر را پر می‌کند. این همه غفلت پهلوی به بی‌احترامی و توهین می‌زند. خود ما با دست خودمان سرمایه‌های خودمان را نابود می‌کنیم. حاج قاسم پیش‌بینی این چیزها را می‌کرده که این حرف‌ها را نوشت ولی بدبختانه همین حرف‌ها در عمل فهم نشدند و خودشان بیلورد شدند. از این عجیب‌تر نمی‌شود به یک شهید اسطوره‌ای جفا کرد. خیلی از اوقات فکر می‌کنیم آدم‌های تصمیم‌گیر و موثر در فهم زبان مردم مشکل دارند اما سوگ‌منده‌ها باید گفت این آدم‌ها در فهم زبان رهبران انقلاب اسلامی هم مشکل دارند. این نوع درک از سیره شهیدی مثل حاج قاسم جای هیچ حرفی باقی نمی‌گذارد. آن هم در روزهایی که مردم زیر فشار شدیدترین بحران‌های اقتصادی هستند و دشمن همه توان خود را به کار گرفته تا هم با ابزارهایی مثل تحریم، بحران در زندگی ما ایجاد کند و هم با ابزارهای رسانه‌ای در آتش این بحران بدمد. خود ما دست به کار می‌شویم و به او با تمام توان کمک می‌کنیم شاید در عمل هزینه این بیلوردها چیز مهمی هم نباشد اما واقعیت دردناک این است که این نوع اقدامات به نحو عجیب در ذنبت مردم موثرند و نتیجه عکس دارند. ما شنیدیم و گفتن را یاد نگرفته‌ایم. باید یک تغییر اساسی در نگرش‌ها ایجاد شود. من امیدم ندارم که مدیران و تصمیم‌گیران فرهنگی کشور و آدم‌های پشت و روی صحنه تغییر کنند اما این آدم‌ها باید آدم‌های اصلی فرهنگ را بشناسند و مشورت بگیرند این حداقل کاری است که در این وضعیت می‌توانند بکنند. وقتی یک جنگ جهانی علیه ذنبت ایران‌یان راه افتاده است این حد از اهمال‌کاری و نابلدی و زیر توب زدن در زمین فرهنگ، هنر و رسانه نوبر است. شیطان از سرمربی ناپل تا فلان خواننده در پیت اروپایی همه را به میدان آورده است و دارد تلاش می‌کند که ذنبت ما را بریشان کند آن وقت خود ما با رفتارهای عجیب و غریب و احمق و جوق به او و مهمات و خوراک می‌رسانیم. یا حیدر مددی

گزارش

جایزه جلال آل احمد باز هم با تأخیری طولانی برگزار خواهد شد

مهم‌ترین جایزه ادبی کشور در برزخ برنامه ریزی

تولد جلال؟! مطمئنید؟

برای این‌که ببینیم جایزه در دوره‌های مختلف خود چگونه برگزار شده است، مروری بر دوره‌های مختلف برگزاری ببینیم؛ اولین دوره جایزه جلال آل احمد در دوران وزارت محمدحسین صفارهرندی در دوم آذر ۱۳۸۷ در تالار وحدت برگزار شد. دوره دوم جایزه در دولت دهم و زمان وزارت سیدمحمد حسینی در دوم آذر ۱۳۸۸ با هم در تالار وحدت و دوره سوم در ۷ آذر ۱۳۸۹ در همان مکان برگزار شد. دلیل جابه‌جایی چندروزه برگزاری جایزه در آن دوره، آلودگی هوا و تعطیلات ناخواسته ناشی از آن بود و دوره چهارم به روال قبلی برگشت و در روز دوم آذر ۱۳۹۰ در سالن همایش پژوهشکده هنر و معماری برگزار شد. دوره پنجم جایزه هم در همان سالن در روز یکم آذر ۱۳۹۱ برگزار شد و این دوره آخرین دوره‌ای بود که سیدمحمد حسینی به‌عنوان وزیر ارشد، جایزه را برگزار کرد. اختتامیه دوره ششم در زمان وزارت علی جنتی و در دوم آذر ۱۳۹۲ در همان پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی برگزار شد. مراسم پایانی دوره هفتم در روز سوم آذر ۱۳۹۳ برگزار شد و مراسم دوباره به تالار وحدت برگشت. دوره هشتم هم در روز دوم آذر ۱۳۹۴ در تالار وحدت برگزار شد. تغییرات در زمان برگزاری جایزه از دوره نهم و در دوره کوتاه وزارت سیدرضا صالحی‌امیری آغاز شد. این دوره با تأخیری یک‌ماهه در چهارم دی ۱۳۹۵ در تالار وحدت برگزار شد. سال بعد جایزه در حالی برگزار شد که سیدعباس صالحی وزیر شده بود. دهمین دوره جایزه در ۱۶ دی ۱۳۹۶ در تالار وحدت تهران برگزار شد و سال بعد، یازدهمین دوره جایزه باز هم شاهد تغییر مکان و زمان برگزاری جایزه بودیم. این دوره از جایزه، روز ۱۷ آذر ۱۳۹۷ در سالن قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد. دوازدهمین دوره جایزه هم در ۲۳ آذر ۱۳۹۸ باز هم در کتابخانه ملی به منتخبان اهدا شد و دوره سیزدهم شاهد برگزاری مراسم به صورت حضوری نبودیم، چراکه بحران کرونا فراگیر شده بود و به همین دلیل سیزدهمین دوره جایزه در یک برنامه زنده تلویزیونی که روز ۱۶ و ۱۷ دی ۱۳۹۹ پخش شد، به کار خود پایان داد. رکورد تأخیر در برگزاری جایزه در دوره چهاردهم شکست و برگزاری آن با حضور مهمانان اندک و رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در روز ۱۲ بهمن ۱۴۰۰ صورت گرفت.

می‌بینید؟ یک جایزه در ۱۴ دوره برگزاری خود در چند مکان مختلف و زمان‌های متفاوت برگزار شده است. قرار بر این بوده است که جایزه در روز تولد جلال برگزار شود. درباره روز تولد جلال دو نقل قول بود و یازدهم آذر وجود دارد که زنده‌یاد سیمین دانشور در گفت‌وگویی بر درستی زمان دوم آذر صحه گذاشت. جایزه در دوره‌های نخست تقریباً در سر زمان برگزار می‌شد اما از دوره وزارت صالحی‌امیری و بعد صالحی، این روال به هم خورد و جایزه هر وقت وزارت ارشد صلاح می‌دانست، برگزار می‌شد؛ کما این‌که یک سال در ده فجر یعنی دو ماه بعد از تولد جلال برگزار شد!

یکی از رازهای موفقیت یک رویداد هنری و فرهنگی، در توانایی ایجاد حساسیت در جامعه فرهنگی و ادبی و عموم مردم از طریق ایجاد



یک ماه است منتظریم برنامه نشست خبری و مراسم افتتاحیه دوره پانزدهم جایزه جلال آل احمد به دستمان برسد اما همچنان خبری از این مراسم نیست. در گفت‌وگویی کوتاه با و جیهه سامانی، دبیر علمی جایزه از زمان برگزاری مراسم پایانی این جایزه پرسیدیم. سامانی با تأکید بر این‌که داوری کتاب‌ها انجام و نامزدها انتخاب شده‌اند و نام آنها به‌زودی در یک نشست خبری اعلام خواهد شد، زمان دقیقی برای برگزاری مراسم پایانی به ما نگفت و از برگزاری مراسم پایانی در دهه آخر دی‌ماه به شرط فراهم بودن شرایط خبر داد. جایزه ادبی جلال آل احمد که قرار بود به ایجاد جریانی فرهنگی و تحولی منجر شود، در طول سال‌های برگزاری حتی نتوانسته زمان و مکان مشخصی برای برگزاری مراسم پایانی خود، فراهم کند و هر بار به دلیل ناپذیری زمان برگزاری مراسم تغییر کرده است. وقتی یک رویداد ادبی، خودش اهمیت خود را درک نمی‌کند و هر سال به شکل و در جای و زمانی متفاوت برگزار می‌شود، چه انتظاری داریم که بخواند جریان‌ساز و تحول آفرین بشود؟



آرش ششایی
آرکوه فرهنگ و هنر

«شبه رویداد» است. شبه رویداد یعنی این‌که شما یک رویداد را برنامه‌ریزی کرده تا از جنبه خبری و تبلیغاتی آن استفاده کنید. وقتی شما حتی نمی‌توانید یک روز مشخص جایزه‌تان را برگزار کنید و جایزه امسال‌تان هم در خوشبختانه‌ترین حالت، با یک و نیم ماه تأخیر برگزار می‌شود، دیگر حرف زدن از برنامه‌ریزی و استفاده از ظرفیت‌های خبری و ایجاد حساسیت و انتظار در مخاطبان، شوخی است.

دیگران چه می‌کنند؟

درباره نقش مخرب و تأثیرات جایزه‌های ادبی غرب، بسیار گفته‌ایم ولی بد نیست یک بار هم از آنها درس بگیریم؛ درس برنامه‌ریزی دقیق، نظم و بهره‌مندی از حساسیتی که در جامعه مخاطبان خود ایجاد می‌کنند. برای نمونه، شیوه برگزاری و اعلام نام برگزیدگان دو جایزه ادبی مطرح جهان یعنی نوبل و گنگور را با هم مرور کنیم. از نوبل شروع می‌کنیم. این جایزه برای معرفی پرندگان جوانی‌رشته‌های مختلف دارده‌کرد در آن هیچ وقت تغییری رخ نداده است؛ یعنی هر سال در هفته ابتدایی اکتبر جوایز برگزیدگان رشته‌های پزشکی، فیزیک، شیمی، ادبیات، صلح و علوم اقتصادی در ساعات نزدیک به ظهر به وقت ساعت تابستانی اروپای مرکزی (CEST) اعلام می‌شود. بنابراین همه دوستداران ادبیات در سراسر جهان، در روز پنجشنبه هفته نشست اکتبر منتظرند تا ببینند ظهر آن روز در نشست انتخاب این هیات علمی باید روشن باشد و همه چیز به سلیقه سیاسی و فرهنگی جریان حاکم بر وزارت ارشد در دوره‌های مختلف گره زده نشود. شاید اگر برگزارکنندگان جایزه، داوران و دبیران آن در طول زمان وابستگی کمتری نسبت به بدنه اجرایی وزارتخانه پیدا کنند، بتوانند برای بلندمدت برنامه‌ریزی دقیق‌تری صورت دهند که حداقل شاهد برگزاری مراسم پایانی در یک روز و یک مکان مشخص در همه دوره‌ها باشیم. البته درباره جایزه جلال حرف‌های زیادی هست که به مرور خواهیم گفت.

هر دوشنبه اول ماه در تالار مخصوص خود که در طبقه نخست رستوران «دوران» پاریس قرار دارد، دور هم می‌نشینند و درباره آثار ادبی برتر صحبت می‌کنند. روز سوم نوامبر بیرون این رستوران غوغایی به‌پاست چون همه می‌دانند برگزیده جایزه ادبی گنگور در این روز پس از صرف ناهار اعضای فرهنگستان مشخص می‌شود. بنابراین همه خبرنگاران و رسانه‌ها منتظرند تا ناهار این عالیجنابان تمام شود و از رستوران بیرون بیایند و نام برگزیده را بگویند. اما گنگور که همین هم بسنده نکرده است چرا که برای مشخص کردن نامزدها هم چندین مرحله انتخاب پیش‌بینی شده است. برنده گنگور در چند مرحله تعیین می‌شود. در مرحله اول، ۱۵ کتاب از میان تمام کتاب‌هایی که در زمینه ادبیات داستانی چاپ شده‌اند، انتخاب می‌شوند. در مرحله دوم از میان این تعداد کتاب، باز هشت کتاب به مرحله دوم راه پیدا می‌کنند. به این ترتیب راهیابی به مرحله دوم گنگور هم برای هفت کتاب حذف شده. افتخار محسوب می‌شود. در مرحله سوم از این هشت کتاب راه یافته به این مرحله، چهار کتاب حذف می‌شود و چهار فینالیست معرفی می‌شوند. نام کتاب‌های مرحله نهایی را دبیر سیدی قرار می‌دهند و داورها با برداشتن اسم کتاب‌ها، نظر خود را درباره کتاب و کم و کیف آن اعلام می‌کنند. این روند تا ۱۰ دور ادامه دارد و نویسندگانی که بیشترین رای را گرفته باشند برگزیده گنگور است اما اگر در این مرحله، هیچ کتابی انتخاب نشود، رای دبیر جایزه، دو برابر دیگر اعضا محسوب می‌شود. بعد از انتخاب برنده، دبیرکل جایزه جولی رستوران و در حضور خبرنگاران، نام برنده را اعلام می‌کند. ضمن این‌که این تکه را هم در نظر داشته باشید که نویسنده‌هایی که نامزد نهایی هستند، در کافه‌ای نزدیک آن رستوران منتظر پایان برنامه ناهار هستند و بعد از معرفی برنده، فرد پیروز در برابر خبرنگاران قرار می‌گیرد.

ایراد از کجاست؟

یکی از دلایل به هم ریختن برنامه‌های فرهنگی و هنری از جمله جایزه جلال در کشور ما که باعث شده تا تلاش‌شود، درباره آنها برنامه‌ریزی درست و دقیقی داشت، وزیرمخبر بودن آنهاست. دبیران دوره‌های مختلف جایزه در جابه‌جایی‌ها و بی‌برنامگی‌های ناشی از تغییرات دولت‌ها و استعفاها و درگیری‌های داخلی وزارت ارشد و دیگر ارکان دولت در دوره‌های مختلف، نقسبیری نداشته‌اند اما همواره ترکش این اتفاقات به آنها صابت کرده است. در هیچ‌کدام از جایزه‌های ادبی، هنری موفق دنیا صدر تایلد برگزار جایزه، نیاز به دریافت حکم سالانه و یک‌ساله از وزیر ندارند. وقتی اعضای هیات علمی دبیر جایزه می‌دانند که تنها برای چند ماه در این پست هستند، نمی‌توانند برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و دقیقی انجام دهند. شاید لازم باشد که شورای عالی انقلاب فرهنگی که جایزه جلال مصوب خود این شورا است، درباره چارچوب انتخاب اعضای هیات علمی و دبیران جایزه، تجدیدنظری داشته باشد و مدت زمانی حداقل ۱۴ دوره‌ای را برای کار آنان تعیین کند؛ ضمن این‌که روند انتخاب این هیات علمی باید روشن باشد و همه چیز به سلیقه سیاسی و فرهنگی جریان حاکم بر وزارت ارشد در دوره‌های مختلف گره زده نشود. شاید اگر برگزارکنندگان جایزه، داوران و دبیران آن در طول زمان وابستگی کمتری نسبت به بدنه اجرایی وزارتخانه پیدا کنند، بتوانند برای بلندمدت برنامه‌ریزی دقیق‌تری صورت دهند که حداقل شاهد برگزاری مراسم پایانی در یک روز و یک مکان مشخص در همه دوره‌ها باشیم. البته درباره جایزه جلال حرف‌های زیادی هست که به مرور خواهیم گفت.